فصلنامه راهبرد توسعه/ سال بیستم و دوم/ شماره ۳ (پیاپی۸۷)/ پاییز ۱٤۰۵/ ۱۳٦-۱۱۰
Quarterly Journal of Development Strategy, ۲۰۲٦, Vol. ۲۲, No.۳ (۸۷)

تبیین جامعه‌شناختی تمایز (نابرابری) طبقاتی و عوامل مؤثر بر آن

طاها عشایری[۱]
طاهره جهان پرور[۲]

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۸/۴ ـ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۵)
نوع مقاله: **علمی پژوهشی**

چکیده:
نابرابری و تمایز طبقاتی یکی از پایدارترین و مقاوم‌ترین چالش‌های جوامع مدرن است که به‌صورت سیستماتیک و بین‌نسلی بازتولید می‌شود. پژوهش حاضر با هدف تبیین ریشه‌های جامعه‌شناسانه تمایز (نابرابری) طبقاتی در ایران طی بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۴۰۴ انجام شد. روش پژوهش، فرا تحلیل کمی و که ۸۸ مطالعه شناسایی و پس از اعمال ملاک‌های ورود و خروج، ۵۹ سند علمی وارد فرا تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که سرمایه اقتصادی (۰/۳۸-)، سرمایه فرهنگی (۰/۳۱-) و سرمایه اجتماعی (۰/۲۵-) در تمایز اجتماعی-طبقاتی نقش داشته است. بر این اساس نابرابری اجتماعی در ایران صرفاً بازتاب یک عامل تک‌بعدی اقتصادی نبوده، بلکه محصول هم‌کنشی چندلایه سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که از طریق خانواده، نظام

[۱] - دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه محقق اردبیلی. (نویسنده مسئول) t.ashayeri@uma.ac.ir
[۲] - دکتری جامعه شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد تهران.

آموزشی و سازوکارهای نمادین بازتولید می‌شود؛ ازاین‌رو سیاست‌گذاری کاهش نابرابری باید هم‌زمان بر تقویت سرمایه اقتصادی، ارتقای سرمایه تحصیلی و فرهنگی و بازسازی عدالت و انسجام اجتماعی متمرکز شود.

کلیدواژه‌ها: تمایز طبقاتی، نابرابری اجتماعی، سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، فراتحلیل

مقدمه و بیان مسئله

نابرابری اجتماعی وجود فرصت‌ها، پاداش‌های نابرابر در موقعیت‌ها و پایگاه‌های مختلف جامعه است. این نابرابری به دلیل عدم دسترسی گروه‌های جامعه به منابع اجتماعی بوده و با طبقه اجتماعی در جامعه ارتباط دارد. طبقه اجتماعی از طریق همین ثروت، قدرت و منزلت در جامعه خلق می‌شود (مقدس، ۱۳۹۹: ۱۶) و به‌مرور زمینه‌های تمایز اجتماعی برحسب طبقه و پایگاه اجتماعی شکل می‌گیرد. مفاهیمی چون طبقه اجتماعی، قشر اجتماعی، تضاد طبقاتی، فرصت‌های اجتماعی همه نمایانگر نابرابری و تمایز اجتماعی است که جامعه‌شناسانی چون دورکیم، مارکس، وبر، زیمل، پارسونز، بوردیو و گیدنز به آن پرداخته‌اند (اجتهادی، ۱۳۹۰: ۱۵۳). تمایز طبقاتی (نابرابری) یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی جوامع انسانی بوده و تفاوت در شیوه زندگی، حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازهایی، به نهادینه شدن این نابرابری طبقاتی کمک می‌کند. درواقع رفتارهای اجتماعی انسان‌ها ایجادکننده نابرابری و تمایز هستند (مهرگان و دلیری، ۱۳۹۴: ۱۱۸). مسئله نابرابری طبقاتی و تمایز به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین و مقاوم‌ترین چالش‌های جوامع مدرن عمیقاً در بافت اجتماعی نهادینه‌شده و به شکلی سیستماتیک و بین‌نسلی بازتولید می‌شود (بوردیو، ۱۹۶۸: ۲۱۰). خانواده‌های دارای سرمایه اقتصادی می‌توانند برای فرزندان خود سرمایه فرهنگی (مانند تحصیلات عالی در دانشگاه‌های نخبه، تسلط بر زبان‌های خارجی، آشنایی با هنرهای والا و به‌طورکلی"سلیقه مشروع" را خریداری کنند. این سرمایه فرهنگی، به‌نوبه خود، مشروعیتی نمادین ایجاد نموده و فرد را شایسته تصاحب موقعیت‌های اجتماعی بالا نشان می‌دهد (بوردیو، ۱۹۸۴: ۶۳). از سوی دیگر، هر دو سرمایه اقتصادی و فرهنگی، دستیابی به سرمایه اجتماعی (شبکه‌های پایدار از روابط و ارتباط متقابل) را تسهیل می‌کنند. حضور در مدارس خاص، دانشگاه‌های معتبر و مشاغل پردرآمد، فرد را در شبکه‌ای از افراد قدرتمند قرار می‌دهد

که دسترسی به فرصت‌های شغلی، اطلاعات انحصاری و حمایت‌های ضروری را فراهم می‌کنند (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۶). مسئله حادتر زمانی است که این سه سرمایه در یک "چرخه بازتولید" قرارگرفته و باعث می‌شود تا مزیت‌های طبقاتی به ارث برسند و جامعه به سمت یک «جامعه موروثی «حرکت کند که در آن شانس موفقیت یک فرد بیشتر از آنکه توسط استعدادهایش تعیین شود، توسط موقعیت طبقاتی والدینش پیش‌بینی می‌شود (پیکتی، ۲۰۲۲). سرمایه‌داری نظارتی (زوباف، ۲۰۱۹) برای تحلیل تمایز طبقاتی از مفهوم انباشت سرمایه اقتصادی بهره می‌برد. شکاف سلامت (کیس و دیتون، ۲۰۲۰) نشان می‌دهد که چگونه سرمایه اقتصادی مستقیماً به «سرمایه جسمانی» (طول عمر و سلامتی) تبدیل‌شده و یک تمایز زیست‌شناختی بین طبقات ایجاد می‌کند و اقتصاد دارایی (آدکینز و کوپر، ۲۰۲۱) آشکار می‌سازد که چگونه تمایز طبقاتی امروز بیشتر از طریق دارایی‌ها؛ سرمایه اقتصادی و مالی سرچشمه می‌گیرد، نابرابری اجتماعی، وضعیتی است که در چارچوب آن، انسان‌ها دسترسی نابرابری به منابع باارزش، خدمات و موقعیت‌های جامعه دارند. چنین نابرابری هنگامی روی می‌دهد که افراد و گروه‌ها، یکدیگر را درجه‌بندی و سپس ارزیابی کنند (فولادی و بحرینی، ۱۳۹۹). پس تمایز پدیده‌ای جهانی است که در زیرپوست همه جوامع و کشورها وجود دارد و تنها وقتی‌که برساخت می‌شود. نمایان می‌گردد. سینچکام با توجه به عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، عواملی چون نحوه توزیع قابلیت‌های ارزشمند فرهنگی، توزیع اجاره‌داری‌های رسمی و به‌خصوص حق مالکیت، نظام مالیات‌بندی، تأمین اجتماعی، منابع اقتصادی و روابط متقابل، امتیازها و طبقات، الگوهای همبستگی و سازمان فنّاوری جامعه را علل اساسی نابرابری‌های اجتماع می‌داند (سینچکام،۱۲۶:۱۳۸۱). درمجموع مهم‌ترین عوامل ایجاد نابرابری و تمایز طبقاتی شامل شرایط تولیدی و اقتصادی؛ طبقه‌بندی افراد در رده‌های جنسی، قومی، مذهبی و مشاغل؛ ساختارهای فضایی و مکانی (اطهاری،۱۳۸۰: ۳۹۴)؛ کوشش‌های قدرتمندان، نهاده‌ای اجتماعی، فرهنگ، اجتماعی شدن و ابزارهای زور (شارون،۱۳۷۹: ۱۱۹) و سیستم حکومتی (زاهدی،۲۰۳،۱۳۸۲) هستند. ازنظر بلا و نابرابری‌های افقی و عمودی اجتماعی بر خواسته از پارامترهای اسمی و رتبه‌ای است. درواقع تمایز بنیادی جامعه، تمایز بین ناهمگونی منبعث از پارامترهای اسمی و رتبه‌ای است. پارامترهای اسمی (جنسیت، مذهب، هویت، نژادی، شغل و محل زندگی) تمایزهای افقی یا ناهمگونی را به وجود می‌آورند و پارامترهای رتبه‌ای (آموزش، سن، درآمد، اعتبار و قدرت)

تمایزهای عمودی یا نابرابری را ایجاد می‌کنند. پس دو شکل نابرابری پایگاهی را می‌توان از یکدیگر تشخیص داد. یکی حالت تراکم ثروت و قدرت دیگری و دیگری حالتی که ویژگی‌های پایگاهی در دست گروه کوچکی از نخبگان است (کوزر، ۱۳۸۷: ۵۲۳) نابرابری‌ها و تمایز اجتماعی و استمرار فاصله طبقاتی یکی از معضلات جوامع بشری است. چنان چه فاصله طبقاتی همراه با بی‌عدالتی، استمرار و عمق نابرابری‌ها را به‌صورت یک مسئله مزمن و مهم اجتماعی درمی‌آورد (ربانی و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به اهمیت مسئله تمایز و نابرابری طبقاتی، مقاله حاضر درصدد بررسی ریشه‌های این امر اجتماعی و شیوه‌های سیاست‌گذاری جهت کاهش آن در فرایند تاریخی است، مطالعات تجربی و پیشینه‌های تحقیق فاصله زمانی ۱۳۸۶ الی ۱۴۰۴ حکایت از این دارد که ریشه و دلایل تمایز اجتماعی-طبقاتی (نابرابری) صرفاً بازتاب یک عامل تک‌بعدی نبوده و بلکه شاخص و مؤلفه‌های دیگری نیز در کنار شاخص اقتصادی به پایداری و نهادینه شدن موضوع فوق کمک نموده است، درنهایت هدف و پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارت است از:

هدف اصلی:

تبیین ریشه‌های جامعه‌شناسانه تمایز (نابرابری) طبقاتی در ایران طی فاصله زمانی ۱۳۸۶ الی ۱۴۰۴

پرسش اصلی:

چه عامل جامعه‌شناسانه در ظهور و توسعه تمایز طبقاتی-اجتماعی طی فاصله زمانی ۱۳۸۶ الی ۱۴۰۴ نقش دارد؟

مبانی و رویکردهای نظری

تمایز اجتماعی: نابرابری طبقاتی به تفاوت در دسترسی به منابع، قدرت و فرصت‌ها بین گروه‌های مختلف اجتماعی اشاره داشته و این مفاهیم در جامعه‌شناسی کلاسیک و معاصر مورد تحلیل قرارگرفته‌اند. مارکس نابرابری طبقاتی را نتیجه تضاد بین مالکان ابزار تولید (سرمایه‌داران) و کارگران می‌داند. ازنظر او، سرمایه‌داری با استثمار کارگران و انباشت سرمایه، شکاف طبقاتی را تشدید می‌کند (مارکس، ۱۸۶۷). وبر نابرابری را چندبعدی دانسته و علاوه بر اقتصاد، بر «منزلت اجتماعی «احترام و «قدرت» تأکید می‌کند. تمایز طبقاتی از طریق سبک زندگی و مصرف نمود پیدا می‌کند (وبر، ۱۹۲۲). نابرابری اجتماعی از مهم‌ترین دغدغه‌های ذهنی

نظریه‌پردازان، فیلسوفان و جامعه شناسان بوده و ارسطو (۱۹۵۹)؛ ریشه نابرابری را امری طبیعی و مارشال دلیل آن را تحمیل قانون شهروندی می‌داند (اجتهادی، ۱۳۹۰: ۱۳۲). نابرابری اجتماعی یا توزیع چوله منابع ارزشمند می‌تواند ناشی از زمینه اجتماعی بوده و روابط اجتماعی در آن شکل می‌گیرد که می‌توان به نوع سرمایه اجتماعی اشاره کرد (خداکرمیان و همکاران، ۱۳۹۹؛ تأمین،۱۳۷۳: ۲۴). چارلز تیلی پایه‌های نابرابری را شامل چهار مجموعه منابع ارزشمند سرمایه مالی؛ اطلاعات؛ علم و رسانه برای حمایت و انتقال اطلاعات علم و سرمایه (رومرو، ۲۰۰۵: ۲۴) دانسته است.

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی شامل اطلاعات، اعتماد و هنجارهای دوسویه ذاتی شبکه‌های اجتماعی هر فرد است (پیران،۱۳۹۲:۶۱). اجتماعاتی که متشکل از انواع و اقسام شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌های مدنی هستند در رویارویی با فقر و آسیب‌های اجتماعی و به‌مراتب، اخلاق کاری اجتماع در موقعیت بهتری قرار دارند، دعواها را حل نموده و از فرصت‌های تازه بهره می‌گیرند (ولکاک و نارایان،۱۳۸۹:۵۲۸). ولکاک و نارایان میان سه نوع از سرمایه اجتماعی تفکیک قائل می‌شوند:

الف) سرمایه اجتماعی مقیدکننده[۱] (درون‌گروهی): به آن سرمایه اجتماعی تدافعی[۲] نیز گفته می‌شود، ویژگی آن پیوندهای قوی و صمیمی بین افراد نسبتاً همگون است. این پیوندهای قوی را می‌توان در میان اعضای خانواده، کلان یا اعضای یک گروه قومی مشاهده نمود. سرمایه مقیدکننده قوی، خاصیت طرد کنندگی دارد که از آن به‌عنوان بعد منفی یا زیان‌های سرمایه اجتماعی یاد می‌کنند.

ب) سرمایه اجتماعی متصل‌کننده[۳] (برون گروهی): به آن سرمایه اجتماعی تهاجمی[۴] نیز گفته‌شده و ویژگی آن پیوندهای ضعیف با شدت کمتر، اما کاملاً متقاطع بین افراد نسبتاً ناهمگونی مانند انجمن‌های صنفی، خویشاوندی، دوستانی از گروه‌های قومی متفاوت وجود دارد. این نوع سرمایه اجتماعی با گروه‌های بزرگی از مردم از سطوح مختلف اجتماعی جامعه

---

۱. Bonding Social Capital
۲. Defensive Social Capital
۳. Bridging Social Capital
٤. Offensive Social Capital

تعریف می‌شود. این گروه‌ها شکلی از آرمان‌های حرفه‌ای را به خود گرفته و در جهت مقاصد خود فعالیت می‌کند.

ج) سرمایه اجتماعی مرتبط کننده[۱] (ارتباطی): این نوع سرمایه اجتماعی اشاره به ارتباط با افراد یا گروه‌هایی دارد که در رده‌های مختلف اجتماعی قرار داشته و دسترسی یکسانی به قدرت، پایگاه اجتماعی و ثروت ندارند؛ به‌عبارت‌دیگر، ظرفیت دسترسی به منابع، ایده‌ها و اطلاعات از نهادهای رسمی‌ای که در ورای مرزهای اجتماع قرار دارند. در این نوع سرمایه اجتماعی، افراد جایگاه برابری ندارند (پاتنام،۱۳۹۰: ۲۲۰) و اعضا را قادر می‌سازد که محدوده وسیع‌تری از منابع را نسبت به داخل اجتماع در اختیار داشته باشند (فیلد، ۱۳۹۴: ۸۹).

چارچوب نظری تحقیق

الف) نظریه منزلت اجتماعی ماکس وبر

فرانک پارکین با پیوند مفهوم قدرت؛ دو انسداد اجتماعی را تشخیص می‌دهد: الف) طرد: استراتژی‌هایی که گروه‌ها برای جدا کردن بیگانه‌ها از خود و ممانعت از دسترسی آن‌ها به منابع ارزشمند اتخاذ می‌کنند ب) غصب: ابزاری است که افراد زیر سلطه از طریق آن خواهند حداقل قسمتی از قدرت ازدست‌رفته را باز پس گیرند. پارکین، طرد را مظهر نابرابری اقتصادی_اجتماعی و نوعی استعمار و تبعیض می‌داند. طرد اجتماعی درواقع تلاش‌های جمعی یک گروه اجتماعی است که برعکس گروه دیگر هدایت‌شده تا آن گروه را از دسترسی به پاداش و فرصت‌ها محروم کند (ریزمن و انگویتا،۱۳۸۸: ۱۴۵). نابرابری اجتماعی به‌طورکلی به تفاوت‌های میان افراد یا جایگاه‌هایی که به‌صورت اجتماعی تعریف‌شده و افراد آن را اشغال کرده‌اند، اشاره می‌کند، جایگاه‌هایی که بر نحوه زندگی افراد به‌ویژه بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازاتی که از آن برخوردارند، تأثیر دارد. اسملسر مفهوم نابرابری اجتماعی را وجود تفاوت‌های دائمی و منظم در قدرت خرید کالاها، خدمات و امتیازات میان گروه‌های معینی از مردم که شاخص آن نابرابری دردادن پاداش به کار تعریف کرده است (فولادی و بحرینی،

---

۱. Linking Social Capital

۱۳۹۹). نابرابری اجتماعی به معنای کلی به تفاوت‌های میان افراد یا جایگاه‌هایی که به‌صورت اجتماعی تعریف‌شده و افراد آن را اشغال کرده‌اند؛ اشاره دارد. این تفاوت جایگاه یا موقعیت اجتماعی اشاره می‌کند نحوه زندگی افراد به‌ویژه حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازاتی که از آن برای عملیاتی کردن نابرابری اجتماعی برخوردارند، تأثیر دارد (گرب، ۱۳۷۰: ۱۰). وبر در بحث خود از منزلت یا حیثیت اجتماعی خاطرنشان می‌سازد که توزیع این امتیازِ نمادین همواره مطابق با توزیع امتیازات مادی نیست؛ اما در درازمدت امتیازات منزلتی پا به‌پای ثروت شخصی پیش می‌روند، ولو تنها به این دلیل باشد که جستجوی سبک زندگی عالی نیاز به خرج کردن پول دارد. ولی در هر زمان معین اغلب این احتمال است که میان پایگاه مادی گروه اجتماعی و رتبه‌اش در سلسله‌مراتب اعتبار قدری اختلاف باشد. افراد فقیر و اشراف مفلوک می‌توانند با اطمینان انتظار داشته باشند که کسانی که در رفاه بیشتری نسبت به آنان به سر می‌برند به آنان احترام گذارند. حتی جایی که ثروت و حیثیت اجتماعی هم‌ترازند. رابطه میان آن‌ها همواره یک‌جهت علی ندارند. گاه حیثیت اجتماعی ناشی از دارایی‌های مادی است، گاه بیشتر مانند سکوی پرش برای کسب چنین دارایی‌هایی است (پارکین، ۱۳۸۹: ۱۳۹). وبر گروه منزلتی را ستیزه‌جوی می‌داند. به‌زعم وی گروهی هستند که اعضای خود را برای مبارزات رقابتی از هر نوع چه مادی و چه نمادین بسیج می‌کند، یعنی آنان به نحوی عمل می‌کنند که چندان بی‌شباهت به عمل طبقات اجتماعی یا سازمان‌های مبین بر طبقات اجتماعی نیست. این گروه کلاً اجتماعات اخلاقی هستند. احتمال بیشتری می‌رود که آن‌ها احساسی نیرومند از هویت مشترکشان و از آن مرزهای اجتماعی‌ای که آن‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازند داشته باشند. مخصوصاً اگر عامل نژادی و قومی موجود باشد آن‌ها با سهولت بیشتری می‌توانند برای بسیج اهداف جمعی بسیج گردند. گروه‌های منزلتی دارای منشأ قومی حس شرافت اجتماعی‌شان ناشی از منابعی است که تا حد زیادی مستقل از ساختار رسمی شرافت و حرمت است. نظم منزلتی جامعه بزرگ‌تر همواره سلسله مراتبی است که در آن هر گروه جایگاه معین خود را داشته؛ هر گروه قومی و محلی تمایل به آن دارد که حس شرافت قومی خاصی برای خود ایجاد کند که از تحقیر بیگانگان مصون باشند. درنتیجه گروه‌های قومی گوناگون در درون اجتماع به‌طور نظام‌مند در سلسله‌مراتب منزلتی‌ای که موردقبول همه باشد مرتب‌نشده‌اند. هر گروه حس ارزش و شرافت اخلاقی خودش را چهارچشمی یافته و گسترش می‌دهد و همه گروه‌های دیگر را بی‌ارزش و خوار تصور می‌کند.

به همین جهت وبر شرافت قومی را شرافت مخصوص توده‌ها می‌داند، چه منشأ عزت‌نفسی است که در دسترس هر عضو گروه محلی است، هرقدر هم که رتبه‌اش در تقسیم‌کار و نظم منزلتی رسمی ناشی از آن پایین باشد. شیوه‌ای که گروه منزلتی درصدد بسیج قدرت به نحوی مشابه سازمان طبقاتی بر می‌یابند از همه واضح‌تر در بحث وبر از بندوبست اجتماعی آشکار می‌گردد. منظور او از بندوبست اجتماعی فرایندی است که در آن گروه‌های گوناگون تلاش می‌کنند؛ بخت خود را با محدود کردن دست‌یابی به پاداش‌ها و امتیازات به حوزه‌ای محدود بهبود بخشند. آنان برای انجام دادن این کار روی صفات اجتماعی یا فیزیکی خاصی انگشت می‌گذارند که خود دارا بوده و این‌ها را معیار شایستگی تعریف می‌کنند. بندوبست اجتماعی طرد کننده عبارت از عملی است که گروه منزلتی‌ای طراحی می‌کنند تا منابع و منافع ویژه‌ای را به بهای گروه‌های دیگر برای خود حفظ کند. آنجا که خود محروم شدگان درصدد برمی‌آیند راه‌دستیابی به پاداش‌های باقیمانده را بر گروه‌های دیگر مسدود کنند، شمار قشرها یا خرده قشرها افزون می‌گردد مؤثرترین و کامل‌ترین اشکال بندوبست اجتماعی آن‌هایی هستند که ملاک اصل و نسب و شجره خانوادگی را بکار می‌گیرند، ملاکی که گروه‌های حاکم در تمام جوامع را بکار می‌گیرد (پارکین،۱۳۸۹: ۱۴۵).

ب) نظریه تمایز اجتماعی بوردیو: بوردیو با معرفی انواع سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین)، استدلال می‌کند که نابرابری از طریق بازتولید این سرمایه‌ها تثبیت می‌شود. تمایز طبقاتی در «سلیقه» و عادت‌واره تجلی می‌یابد (بوردیو، ۱۹۸۴). وی نابرابری اجتماعی را نه صرفاً حاصل توزیع نابرابر ثروت، بلکه محصول انباشت انواع مختلف سرمایه در یک «فضای اجتماعی» سلسله‌مراتبی می‌داند. ازنظر او، ساختار توزیع سرمایه‌ها در هرلحظه، ساختار درونی جهان اجتماعی را تشکیل می‌دهد و مجموعه‌ای از محدودیت‌ها را پدید می‌آورد که شانس موفقیت کنش‌ها را به شکلی پایدار تعیین می‌کند. بوردیو در کنار سرمایه اقتصادی، سه شکل دیگر سرمایه الف) سرمایه فرهنگی (مدارک تحصیلی، دانش و سلیقه‌ها)، ب) سرمایه اجتماعی (شبکه‌های روابط) و ج) سرمایه نمادین (اعتبار و شناخته‌شدگی). را متمایز می‌سازد. سرمایه فرهنگی، به‌ویژه در شکل نهادی‌اش (مدرک تحصیلی)، می‌تواند به سرمایه اقتصادی تبدیل شود و نقش کلیدی در بازتولید نابرابری ایفا کند. سرمایه فرهنگی عمدتاً در خانواده و به‌صورت غیرمستقیم به کودکان منتقل می‌شود. خانواده‌هایی که سرمایه فرهنگی بیشتری دارند،

سرمایه‌گذاری بیشتری در آموزش فرزندان خود انجام می‌دهند. بدین‌سان، نابرابری آموزشی نه نتیجه استعدادهای متفاوت، بلکه بازتاب توزیع نابرابر سرمایه فرهنگی در خاستگاه خانوادگی است (بوردیو، ۱۹۸۴: ۱۰۱). این ساختار عینی از طریق «هبیتوس» (منش‌واره‌های ذهنی و بدنی پایدار) در کنشگران درونی می‌شود. هبیتوس محصول تاریخ فردی و جمعی بوده و به‌عنوان «طبیعت ثانویه» عمل می‌کند. وقتی هبیتوس با میدانی مواجه می‌شود که محصول آن است، جهان پیرامون خود را بدیهی می‌انگارد. در مقابل، گروه‌های محروم در میدان‌های نخبگان «احساس بازی» کمتری دارند. نابرابری از رهگذر همین هم‌ساختیِ نابرابر میان هبیتوس و میدان بازتولید می‌شود (بوردیو، ۱۹۹۰ الف: ۵۵-۶۰). بوردیو برای تبیین تداوم این نظم بدون نیاز به‌اجبار آشکار، مفهوم «خشونت نمادین» را به کار می‌گیرد: قدرتی که موفق شود معانی را تحمیل کند و آن‌ها را با پنهان کردن روابط قدرت زیربنایی، مشروع جلوه دهد (بوردیو و پاسرون، ۱۹۹۰: ۱۸). آموزش‌وپرورش، به تعبیر بوردیو و پاسرون، «خشونت نمادینِ نهادینه‌شده» است، زیرا «تحمیل یک امر فرهنگی دلبخواه توسط یک قدرت دلبخواه» را عملی می‌سازد (بوردیو و پاسرون، ۱۹۹۰: ۱۸). نظام آموزشی با مشروع‌جلوه‌دادن به فرهنگ طبقه مسلط و پاداش‌دادن به سرمایه فرهنگیِ از پیش‌انباشته‌شده، نابرابری‌های موجود را «طبیعی» و «شایسته‌محور» بازنمایی می‌کند و از این طریق، به بازتولید ساختار طبقاتی یاری می‌رساند. درمجموع، نظریه بوردیو نابرابری اجتماعی را به‌عنوان فرایندی چندلایه تحلیل می‌کند: توزیع نابرابر سرمایه در فضای اجتماعی، درونی‌شدن آن در هبیتوس و مشروع‌سازی آن از طریق خشونت نمادین و نهادهای آموزشی. نابرابری نه‌تنها از طریق سازوکارهای عینی، بلکه از طریق طبقه‌بندی‌هایی که خودِ کنشگران از ممکن و ناممکن برای خود می‌سازند نیز بازتولید می‌شود (بوردیو، ۱۹۹۸: ۶۴).

پیشینه پژوهش

الف) مطالعات خارجی

پندیان و ون (۲۰۲۶) در تحقیقی با عنوان" آیا نابرابری مرزهای طبقاتی را محو می‌کند؟ نگرش‌های شایسته‌سالارانه در چشم‌اندازی تطبیقی" بر این تأکید دارد که نظریه‌های منازعه طبقاتی بر اهمیت طبقه اجتماعی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، انتقال ثروت از والدین و خانواده‌ها به نسل جدیدی و دانش فرهنگی نسبت به ثروت به طبیعی شدن تمایز اجتماعی-طبقاتی کمک

می‌کند، این متغیرها با مسئله قدرت سیاسی-اجتماعی پیوندی عمیق دارد. هند و همکاران (۲۰۲۶)، در تحقیقی با عنوان" ریشه‌های همبستگی: هویت طبقه اجتماعی با حمایت از کاهش نابرابری مرتبط است " نشان می‌دهد که تلاش‌های جمعی افرادی که کمترین میزان منابع، منزلت و قدرت را در یک جامعه دارند می‌تواند ابزاری نیرومند برای کاهش نابرابری باشد. طبق نتایج افرادی با پایگاه طبقه اجتماعی عینی پایین (تحصیلات پایین، درآمد پایین) براثر شکاف طبقاتی، احساس محرومیت، کیفیت زندگی و فقدان سرمایه اقتصادی، امکان عبور از طبقه پایین به طبقه بالا را به‌سختی تجربه می‌کنند. حمایت از سیاست‌هایی که نابرابری اقتصادی را کاهش می‌دهند؛ ابزاری مناسبی برای مبارزه با این وضعیت است. چتی و همکاران (۲۰۲۵)، در تحقیقی با عنوان" تغییر فرصت: سازوکارهای جامعه‌شناختی زیربنای شکاف‌های روبه رشد طبقاتی و شکاف‌های نژادی روبه کاهش در تحرک اقتصادی"نشان می‌دهد که درآمد کودکان سفیدپوست از خانواده‌های پردرآمد نسبت به کودکان سفیدپوست از خانواده‌های کم‌درآمد؛ زمینه نابرابری اجتماعی را رقم می‌زند. سطح تحصیلات، میزان سرمایه اجتماعی، سرمایه اقتصادی (درآمد، شغل، کسب‌وکار، دارایی ثابت)، در نابرابری اجتماعی مؤثر است. روف (۲۰۲۴) در تحقیقی با عنوان"طبقه اجتماعی: رویکرد تعاملی به نابرابری" نشان داد که به‌کارگیری مفهوم طبقه اجتماعی به معنای درک نابرابری‌ها به شیوه‌ای رابطه‌ای یا ساختاری است، جوامع صرفاً بر اساس حجم منابع در اختیار هر فرد سلسله‌مراتب‌بندی نشده؛ بلکه توسط روابط قدرت ساختار می‌یابند؛ روابطی که طبقاتی را تعریف می‌کنند که برای تصاحب انحصاری منابع در حال مبارزه‌اند. ویلیام و رویز (۲۰۲۴) در پژوهشی تحت عنوان"کاست، طبقه، نژاد و نابرابری" نشان می‌دهد که هویت اجتماعی، کاست، هویت قومی، محیط زندگی و نگرش تاریخی به قومیت و هویت، بازتاب‌دهنده نابرابری است.

ب) مطالعات داخلی

دراین‌باره پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته که در جدول شماره ۱ به‌اختصار به آن‌ها اشاره‌شده است.

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش (فرا تحلیل)

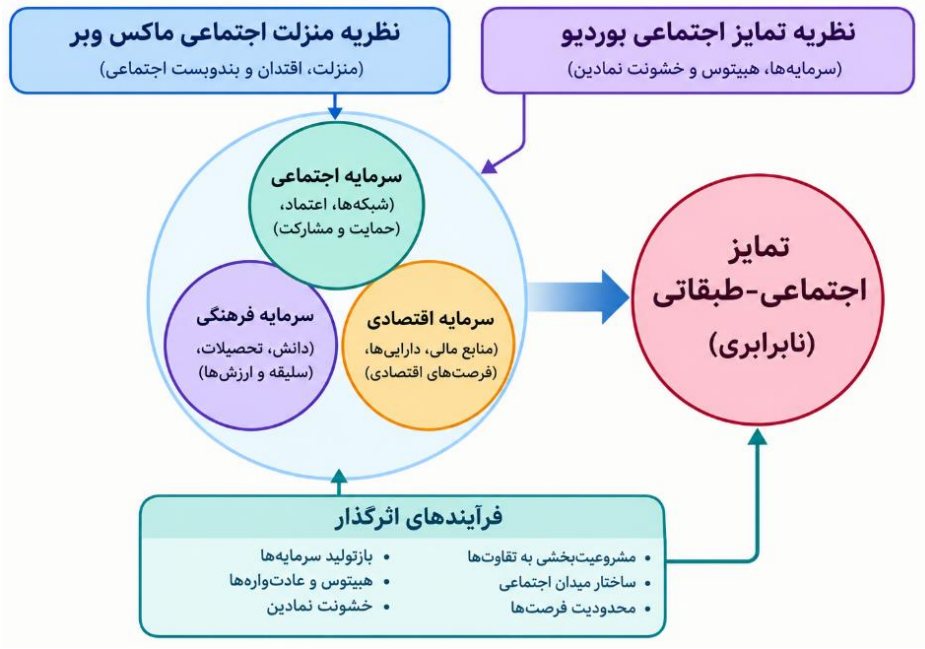
نویسنده (سال)	نوع سند	گروه موردمطالعه	شیوه نمونه‌گیری	مکان مطالعه
آرانی و همکاران (۱۴۰۴)	مقاله پژوهشی	مناطق ۱ و ۲۰ شهر	تصادفی ساده	تهران
قیطاسی و همکاران (۱۴۰۴)	مقاله پژوهشی	سطح کشور بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۰	تصادفی	ایران
حشمتی و همکاران (۱۴۰۳)	مقاله پژوهشی	واحدهای تولیدی شهرستان اراک	تصادفی ساده	اراک
حسنوند و همکاران (۱۴۰۳)	مقاله پژوهشی	داده آماری	تصادفی ساده	ایران
بهمنی (۱۴۰۳)	پایان‌نامه کارشناسی ارشد	دانش آموزان متوسطه دوم ناحیه ۲ اهواز	تصادفی ساده	اهواز
عسگری و مریدیان (۱۴۰۲)	مقاله پژوهشی	داده آماری	تصادفی ساده	ایران
نواح و همکاران (۱۴۰۱)	مقاله پژوهشی	دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان ایذه	تصادفی طبقه‌ای	خوزستان
غفاری فرد و همکاران (۱۴۰۰)	مقاله پژوهشی	استان‌های ایران	تصادفی ساده	ایران (استان‌ها)
نبوی (۱۴۰۰)	رساله دکتری	سالمندان تهرانی (داده‌های ثانویه)	تصادفی ساده	تهران
پرندوش (۱۴۰۰)	پایان‌نامه کارشناسی ارشد	دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهر چالوس	تصادفی ساده	چالوس
سالم و همکاران (۱۴۰۰)	مقاله پژوهشی	استان‌های ایران	خوشه‌ای	ایران (استان‌ها)
شعبانی (۱۴۰۰)	پایان‌نامه کارشناسی ارشد	استان‌های ایران	هدفمند	ایران (استان‌ها)
فدایی وطن (۱۳۹۹)	مقاله پژوهشی	شهروندان ایرانی	تصادفی	ایران
بهشتی و همکاران (۱۳۹۹)	مقاله پژوهشی	استان‌های ایران	هدفمند	ایران (استان‌ها)
رسلیان (۱۳۹۹)	پایان‌نامه کارشناسی ارشد	زنان شهرآبادان	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	آبادان
رفیعی بلداجی و همکاران	مقاله پژوهشی	شاغلان فارغ‌التحصیل	طبقه‌ای	اصفهان

(۱۳۹۹)		دانشگاهی در بازار کار اصفهان		
حسین زاده و موبینی (۱۳۹۹)	مقاله پژوهشی	معلمان	خوشه‌ای	خوزستان
سعدی (۱۳۹۹)	پایان‌نامه کارشناسی ارشد	دانش آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان ایذه	تصادفی طبقه‌ای	ایذه
سرخوش سرا و همکاران (۱۳۹۹)	مقاله پژوهشی	داده آماری	هدفمند	ایران
شاکری بستان‌آباد و جلیلی (۱۳۹۹)	مقاله پژوهشی	داده آماری	هدفمند	ایران
مهاجری و همکاران (۱۳۹۹)	مقاله پژوهشی	ساکنان بالای ۱۵ سال شهر تهران	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	تهران
لکشری‌زاده و همکاران (۱۳۹۹)	مقاله پژوهشی	شهروندان	تصادفی	ایران
هاتفی مجومرد و همکاران (۱۳۹۸)	مقاله پژوهشی	داده آماری	تصادفی ساده	ایران
احمدی شادمهری و همکاران (۱۳۹۸)	مقاله پژوهشی	داده آماری	تصادفی ساده	ایران
جلیلی کامجو و نادمی (۱۳۹۸)	مقاله پژوهشی	داده آماری	تصادفی ساده	ایران
احمدی و همکاران (۱۳۹۸)	مقاله پژوهشی	داده آماری	دسترس	ایران
اسکندری عطا و همکاران (۱۳۹۸)	مقاله پژوهشی	داده آماری	هدفمند	ایران
شریفی‌نیا (۱۳۹۸)	مقاله پژوهشی	سرپرستان خانوار دهستان گنج افروز	تصادفی طبقه‌ای	بابل
باقرزاده (۱۳۹۸)	پایان‌نامه کارشناسی ارشد	زنان شاغل در ادارات دولتی شهر بهبهان	تصادفی ساده	بهبهان
منصوری و همکاران (۱۳۹۷)	مقاله پژوهشی	کشاورزان روستایی شهرستان اسلامشهر	طبقه‌ای	اسلامشهر
زارع شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷)	مقاله پژوهشی	سرپرستان خانوار	طبقه‌ای	فارس
موسوی و صمدی (۱۳۹۷)	مقاله پژوهشی	شهروندان تهرانی	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	تهران

قادری (۱۳۹۷)	مقاله پژوهشی	خانوارهای ساکن در ۱۰۵ محله تهران	خوشه‌ای	تهران
گلی و دل انگیزان (۱۳۹۷)	مقاله پژوهشی	داده‌های بودجه-خانوار مرکز آمار ایران	هدفمند	ایران
مهدوی و محمودلو (۱۳۹۷)	مقاله پژوهشی	داده آماری	هدفمند	ایران
رستمی و همکاران (۱۳۹۶)	مقاله کنفرانسی	شهروندان	تصادفی طبقه‌ای	لرستان
مؤذنی و بهشتی دوست (۱۳۹۶)	مقاله پژوهشی	سرپرستان خانوار شهر اصفهان	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	اصفهان
بودات و معروفی (۱۳۹۶)	مقاله پژوهشی	دارندگان خودروهای لوکس و تولید انبوه (۱۸ سال به بالا) در دزفول	در دسترس	دزفول
کیانی و فلاورجانی (۱۳۹۴)	مقاله پژوهشی	زنان تحصیل‌کرده شهر اصفهان	هدفمند	اصفهان
مؤذنی (۱۳۹۴)	مقاله پژوهشی	سرپرستان خانوار شهر اصفهان	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	اصفهان
اسماعیل‌زاده و همکاران (۱۳۹۴)	مقاله پژوهشی	سرپرستان خانوار روستایی	تصادفی ساده	آذربایجان شرقی
موسوی جهرمی و همکاران (۱۳۹۳)	مقاله پژوهشی	داده آماری	طبقه‌ای	ایران
باقرزاده (۱۳۹۳)	مقاله پژوهشی	مناطق روستایی ایران	هدفمند	بهبهان
ادریسی (۱۳۹۳)	مقاله پژوهشی	دانشجویان دانشگاه تهران و آزاد اسلامی واحد تهران شمال	طبقه‌ای و تصادفی ساده	تهران
غندالی (۱۳۹۲)	پایان‌نامه کارشناسی ارشد	دانشجویان	تصادفی طبقه‌ای	سمنان
بنیاد (۱۳۹۱)	پایان‌نامه کارشناسی ارشد	سرپرستان خانواده	طبقه‌ای	ایران
جانعلیزاده چوب‌بستی و همکاران (۱۳۹۰)	مقاله پژوهشی	دانش آموزان دوره‌های راهنمایی و متوسطه شهرستان جوین	طبقه‌ای	جوین
همتی، خیرالله پور (۱۳۹۱)	مقاله پژوهشی	دانشجویان دانشگاه شهید	تصادفی خوشه‌ای	تهران

		بهشتی		
زارع شاه‌آبادی و همتی (۱۳۹۱)	مقاله پژوهشی	دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی	هدفمند	ایران
محمدی و همکاران (۱۳۹۱)	مقاله پژوهشی	طبقه متوسط شهر سنندج	خوشه‌ای تصادفی	سنندج
توکل و ناصری راد (۱۳۹۱)	مقاله پژوهشی	بیماران مبتلابه سرطان مراجعه‌کننده به انستیتو کانسر تهران	طبقه‌ای	تهران
امرالهی (۱۳۹۰)	پایان‌نامه کارشناسی ارشد	زنان	خوشه‌ای	همدان
ربانی و همکاران (۱۳۹۰)	مقاله پژوهشی	شهروندان	تمام شمار	اصفهان
مقدس و سروش (۱۳۹۰)	مقاله پژوهشی	زنان بالای ۲۵ سال شیراز	هدفمند	شیراز
مجدی و همکاران (۱۳۸۹)	مقاله پژوهشی	جوانان ساکن شهر مشهد	هدفمند	مشهد
سالارزاده امیری و حسینی (۱۳۸۸)	مقاله پژوهشی	دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه علامه طباطبایی	سهمیه‌ای	تهران
ابونوری و خوشکار (۱۳۸۷)	مقاله پژوهشی	داده‌های طرح درآمد هزینه خانوار	هدفمند	ایران
میرزایی و غیاثوند (۱۳۸۶)	مقاله پژوهشی	خانوارهای نقاط شهری ایران	هدفمند	ایران (شهری)
باستانی و صالحی هیکوییی (۱۳۸۶)	مقاله پژوهشی	افراد ۱۸ سال به بالای تهران	خوشه‌ای	تهران

الگوی نظری تحقیق



شکل ۱: الگوی نظری تحقیق[۱]

روش تحقیق

این پژوهش با بهره‌گیری از روش فرا تحلیل کمی و باهدف ترکیب نظام‌مند یافته‌های مطالعات پیشین انجام شد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه پژوهش‌های علمی فارسی (شامل مقالات منتشرشده در نشریات معتبر، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری) تشکیل می‌دادند که در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۴۰۴ به بررسی رابطه بین عوامل مرتبط با نابرابری و تمایز طبقاتی در ایران پرداخته بودند. از طریق جستجوی نظام‌مند در پایگاه‌های اطلاعاتی علمی معتبر داخلی همچون پایگاه مجلات نور، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و مگیران، درنهایت ۸۸ مطالعه به‌عنوان جامعه نهایی شناسایی و با اعمال ملاک‌های ورود و خروج، حجم نمونه نهایی ۵۹ سند

[۱] شکل فوق از طریق هوش مصنوعی chatgpt طراحی و تدوین شده است.

علمی برای فرا تحلیل تعیین شد.

یافته‌های پژوهش

تأثیر شاخص‌ها بر نابرابری اجتماعی

جدول ۲: تأثیر شاخص‌ها بر نابرابری اجتماعی

سرمایه	مقدار z	حد بالا	حد پایین	اندازه اثر	سطح معنی‌داری
سرمایه اقتصادی	-۸	-۰/۲۹	-۰/۴۷	-۰/۳۸	۰/۰۰۱
سرمایه فرهنگی	-۷	-۰/۲۲	-۰/۴۰	-۰/۳۱	۰/۰۰۱
سرمایه اجتماعی	-۶	-۰/۱۷	-۰/۳۳	-۰/۲۵	۰/۰۰۱

طبق نتایج فوق؛ سرمایه اقتصادی با اندازه اثر ۰/۳۸- و رابطه معکوس را با نابرابری اجتماعی دارد؛ پس‌ازآن، سرمایه فرهنگی با اندازه اثر ۰/۳۱- رابطه‌ای معکوس و متوسط به بالا با نابرابری نشان می‌دهد. سرمایه اجتماعی نیز با اندازه اثر ۰/۲۵- رابطه معکوس دارد.

-تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر نابرابری اجتماعی

جدول ۳: مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی

متغیر	مقدار z	حد بالا	حد پایین	اندازه اثر	سطح معنی‌داری
اعتماد اجتماعی	-۵/۵۰	-۰/۱۵	-۰/۳۱	-۰/۲۳	۰/۰۰۱
انسجام اجتماعی	-۶	-۰/۱۶	-۰/۳۲	-۰/۲۴	۰/۰۰۱
توسعه اجتماعی	-۵	-۰/۱۳	-۰/۲۹	-۰/۲۱	۰/۰۰۱
حمایت اجتماعی	-۵/۲۰	-۰/۱۴	-۰/۳۰	-۰/۲۲	۰/۰۰۱
عدالت اجتماعی	-۶/۲۰	-۰/۱۷	-۰/۳۳	-۰/۲۵	۰/۰۰۱
رفاه اجتماعی	-۶	-۰/۱۶	-۰/۳۲	-۰/۲۴	۰/۰۰۱

بر این اساس عدالت اجتماعی با اندازه اثر ۰/۲۵- نشان داد که با افزایش احساس عدالت اجتماعی با بیشترین کاهش در نابرابری همراه است. انسجام اجتماعی با اندازه اثر ۰/۲۴-؛ رفاه اجتماعی نیز با اندازه اثر ۰/۲۴-؛ اعتماد اجتماعی با اندازه اثر ۰/۲۳-؛ حمایت اجتماعی با اندازه اثر ۰/۲۲-؛ توسعه اجتماعی با اندازه اثر ۰/۲۱- در نابرابری اجتماعی نقش مؤثری داشته‌اند.

-تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اقتصادی بر نابرابری اجتماعی

جدول ٤: مؤلفه‌های سرمایه اقتصادی

متغیر	مقدار z	حد بالا	حد پایین	اندازه اثر	سطح معنی‌داری
درآمد ماهیانه	-۸	-۰/۲۷	-۰/۴۵	-۰/۳۶	۰/۰۰۱
سرمایه مالی ثابت	-۷/۵۰	-۰/۲۵	-۰/۴۳	-۰/۳۴	۰/۰۰۱
تورم	۶/۵۰	۰/۳۸	۰/۲۰	۰/۲۹	۰/۰۰۱
بیکاری	۷/۵۰	۰/۴۰	۰/۲۴	۰/۳۲	۰/۰۰۱
فشارهای اقتصادی	۸	۰/۴۴	۰/۲۶	۰/۳۵	۰/۰۰۱
محرومیت اقتصادی	۸/۵۰	۰/۴۶	۰/۲۸	۰/۳۷	۰/۰۰۱
طبقه و پایگاه اقتصادی	-۹	-۰/۳۱-	-۰/۴۷	-۰/۳۹	۰/۰۰۱

طبق جدول ۴؛ طبقه و پایگاه اقتصادی با اندازه اثر ۰/۳۹- نشان داد که افزایش پایگاه اقتصادی با کاهش نابرابری همراه است. درآمد ماهیانه با اندازه اثر ۰/۳۶-؛ سرمایه مالی ثابت با اندازه اثر ۰/۳۴-؛ محرومیت اقتصادی با اندازه اثر ۰/۳۷+؛ فشارهای اقتصادی با اندازه اثر ۰/۳۵+؛ بیکاری با اندازه اثر ۰/۳۲+ و تورم با اندازه اثر ۰/۲۹+ رابطه معنی‌دار با نابرابری دارند.

-تأثیر مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی بر نابرابری اجتماعی

جدول ۵: مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی

متغیر	مقدار z	حد بالا	حد پایین	اندازه اثر	سطح معنی‌داری
سواد رسانه‌ای	-۵/۵۰	-۰/۱۵	-۰/۳۳	-۰/۲۴	۰/۰۰۱
سرمایه تحصیلی	-۷	-۰/۲۲	-۰/۳۸	-۰/۳۰	۰/۰۰۱
سرمایه فرهنگی	-۶	-۰/۱۸	-۰/۳۶	-۰/۲۷	۰/۰۰۱
باورهای دینی	-۵	-۰/۱۳	-۰/۳۱	-۰/۲۲	۰/۰۰۱
آگاهی فرهنگی	-۵/۸۰	-۰/۱۷	-۰/۳۵	-۰/۲۶	۰/۰۰۱

طبق نتایج؛ سرمایه تحصیلی؛ سرمایه فرهنگی با اندازه اثر ۰/۲۷-؛ آگاهی فرهنگی با اندازه اثر ۰/۲۶-؛ سواد رسانه‌ای با اندازه اثر ۰/۲۴-؛ باورهای دینی با اندازه اثر ۰/۲۲- نقش حیاتی و مؤثری بر نابرابری اجتماعی داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان داد که:

الف) سرمایه اقتصادی: سرمایه اقتصادی با اندازه اثر ۰/۳۸ قوی‌ترین رابطه معکوس را با نابرابری و تمایز اجتماعی نشان داده است. سرمایه اقتصادی هم به‌صورت مستقیم (درآمد، دارایی و پایگاه طبقاتی) و هم به‌صورت غیرمستقیم (دسترسی به فرصت‌ها، امنیت معیشتی و توان انتقال بین‌نسلی) توزیع نابرابر زندگی را بازتولید می‌کند. در میان مؤلفه‌ها، طبقه و پایگاه اقتصادی (۰/۳۹-)، درآمد ماهیانه (۰/۳۶-) و سرمایه مالی ثابت (۰/۳۴-) رابطه معکوس دارند؛ یعنی هرچه این منابع بیشتر باشد، تمایز اجتماعی کمتر می‌شود. در مقابل، محرومیت اقتصادی (۰/۳۷+)، فشارهای

اقتصادی (۰/۳۵+)، بیکاری (۰/۳۲+) و تورم (۰/۲۹+) رابطه مثبت و معنی‌دار دارند و نشان می‌دهند نابرابری وقتی تشدید می‌شود که این سازوکارهای فشار و محرومیت فعال باشند. این تفسیر با تحلیل مارکس (۱۸۶۷) از انباشت سرمایه و تشدید شکاف طبقاتی هم‌خوان است؛ زیرا تمرکز سرمایه، قدرت چانه‌زنی و فرصت‌های طبقات پایین را محدود می‌کند. وبر (۱۹۲۲) نیز پیوند ثروت و منزلت را نشان می‌دهد؛ بدین معنا که سرمایه اقتصادی به افتخار و جایگاه اجتماعی ترجمه می‌شود. پیکتی (۲۰۲۲) با مفهوم حرکت به‌سوی «جامعه موروثی» توضیح می‌دهد که چگونه دارایی و ثروت در گذر نسل‌ها بازتولید می‌شود. افزون بر این، آدکینز و کوپر (۲۰۲۱) بر اقتصاد دارایی و کیس و دیتون (۲۰۲۰) بر تبدیل سرمایه اقتصادی به «سرمایه جسمانی» تأکید می‌کنند و پندیان و کوان (۲۰۲۶) انتقال ثروت بین‌نسلی را عامل طبیعی‌شدن تمایز طبقاتی می‌دانند.

ب) سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی با اندازه اثر ۰/۳۱ نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش تمایز اجتماعی دارد. سرمایه فرهنگی، مجموعه‌ای از صلاحیت‌ها، دانش، مهارت‌ها و رمزگان‌های نمادین است که دسترسی فرد را به نهادهای آموزشی، بازار کار و میدان‌های نخبگان شکل می‌دهد؛ سرمایه تحصیلی (۰/۳۰-)، سرمایه فرهنگی (۰/۲۷-)، آگاهی فرهنگی (۰/۲۶-)، سواد رسانه‌ای (۰/۲۴-) و باورهای دینی (۰/۲۲-) همگی رابطه معکوس و معنی‌دار با تمایز اجتماعی دارند. هرچه این منابع فرهنگی در دسترس‌تر و عمومی‌تر شوند، توان رمزگشایی افراد از قواعد نهادی افزایش می‌یابد و از انحصار فرهنگی نخبگان کاسته می‌شود. بوردیو (۱۹۸۴) نشان می‌دهد که انتقال غیرمستقیم سرمایه فرهنگی در خانواده به بازتولید نابرابری آموزشی می‌انجامد؛ زیرا خانواده‌های برخوردار، سرمایه فرهنگی را به‌صورت پنهان به فرزندان منتقل می‌کنند. بوردیو و پاسرون (۱۹۹۰) این سازوکار را «خشونت نمادینِ نهادینه‌شده» نظام آموزشی می‌نامند که معیارهای طبقه بالا را به‌عنوان معیار عادی و مشروع بازنمایی می‌کند. بوردیو (۱۹۹۰ الف) نیز با مفهوم هبیتوس توضیح می‌دهد که هم‌ساختی نابرابر منش‌واره‌ها با میدان‌های نخبگان، مزیت طبقات بالا را «طبیعی» جلوه می‌دهد. افزون بر این، وبر (۱۹۲۲) با تأکید بر بستن مرزهای منزلت و پارکین (۱۳۸۹) با مفهوم طرد اجتماعی نشان می‌دهند که گروه‌های مسلط از طریق انحصار فرهنگی، دسترسی دیگران به پاداش‌ها را محدود می‌کنند.

ج) سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی با اندازه اثر ۰/۲۵ رابطه معکوسی با تمایز طبقاتی و

اجتماعی دارد. تبیین این یافته بر نقش شبکه‌ها، اعتماد، همبستگی و نهادهای حمایتی در کاهش هزینه‌های تعامل و افزایش دسترسی گروه‌های کم‌برخوردار به منابع استوار است؛ عدالت اجتماعی (۰/۲۵-)، انسجام اجتماعی (۰/۲۴-) و رفاه اجتماعی (۰/۲۴-) قوی‌ترین مؤلفه‌ها هستند و اعتماد اجتماعی (۰/۲۳-)، حمایت اجتماعی (۰/۲۲-) و توسعه اجتماعی (۰/۲۱-) نیز رابطه معنی‌دار دارند. سازوکار تبیینی چنین است که عدالت و رفاه اجتماعی از طریق بازتوزیع منابع و کاهش شکاف‌ها، انسجام اجتماعی را تقویت می‌کنند؛ اعتماد و حمایت اجتماعی نیز هزینه مبادله و آسیب‌پذیری را کاهش می‌دهند و توسعه اجتماعی ظرفیت کنش جمعی را بالا می‌برد. پارکین (۱۳۸۹) با مفهوم «طرد اجتماعی» توضیح می‌دهد که گروه‌های مسلط با محدودکردن دسترسی به پاداش‌ها، نابرابری را بازتولید می‌کنند. وبر (۱۹۲۲) با «بندوبست اجتماعی» نشان می‌دهد که بستن مرزهای گروهی، فرصت‌های طبقات پایین را محدود می‌کند. هند و همکاران (۲۰۲۶) نیز تأکید می‌کنند که تلاش جمعی گروه‌های کم‌منابع برای کاهش نابرابری، ابزاری نیرومند است. افزون بر این، بوردیو (۱۹۸۶) سرمایه اجتماعی را مجموعه منابع ناشی از عضویت در شبکه‌های پایدار می‌داند که دسترسی به سایر سرمایه‌ها را تسهیل می‌کند. بنابراین، در ایران ضعف عدالت، انسجام و رفاه اجتماعی، همراه با کاهش اعتماد و حمایت، زمینه طرد اجتماعی و بازتولید تمایز را فراهم می‌کند.

منابع

ابونوری، اسماعیل، و خوشکار، آرش. (۱۳۸۷). تجزیه‌وتحلیل عامل‌های مؤثر بر نابرابری اقتصادی در ایران با استفاده از ریز داده‌ها. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۳۰، ۹۹.

اجتهادی، مصطفی. (۱۳۹۰). ریشه‌های نابرابری در جامعه امروز .*تحلیل اجتماعی*، (۴)، ۱۳۰–۱۵۶.

احمدی شادمهری، محمدطاهر؛ قائد، ابراهیم؛ و مرادی، مژگان. (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر نابرابری توزیع درآمد در ایران با تأکید بر نقش مهاجرت و شهرنشینی .*مطالعات جمعیتی*، ۵ (۱)، ۱۲۷–۱۴۷.

ادریسی، افسانه. (۱۳۹۳). افتراق در سرمایه اقتصادی خانواده‌ها و ترجیحات فعالیت‌های فراغتی جوانان . *مطالعات فرهنگ–ارتباطات*، (۲۸)، ۱۷۵.

آرانی، محسن؛ پیراهری، نیر؛ و صداقتی‌فرد، مجتبی. (۱۴۰۴). بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر نابرابری اجتماعی در بین شهروندان تهران .*جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۵ (۳)، ۴۵۳–۴۶۴.

اظهاری، کمال. (۱۳۸۰). در جستجوی عدالت اجتماعی .*تأمین اجتماعی*، ۳ (۲).

امرالهی، لادن .(۱۳۹۰) .*مطالعه رابطه بین سرمایه اجتماعی و نگرش‌ها و رفتارهای زنان در زمینه نابرابری‌های جنسیتی در شهر* ،پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا.

باستانی، سوسن؛ و صالحی هیکویی، مریم. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران .*مطالعات جامعه‌شناختی*، (۳۰)، ۶۳.

باقرزاده، علی. (۱۳۹۳). آزمون الگوی اهلووالیا–آسافو در شناسایی عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی بخش روستایی ایران .*مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، (۲)، ۱۳۷.

باقرزاده، غزل .(۱۳۹۸) .*بررسی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر نگرش زنان نسبت به نابرابری جنسی در محیط کار* ،پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

بنیاد، لیلا .(۱۳۹۱) .*تبیین جامعه‌شناختی نابرابری اجتماعی در کازرون* ،پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.

بهشتی، محمدباقر؛ محمدزاده، پرویز؛ و قاسملو، خلیل. (۱۳۹۹). عوامل اساسی مؤثر بر نابرابری درآمدی در بین استان‌های ایران .*پژوهش‌های برنامه و توسعه*، (۱)، ۱۱–۴۴.

بهمنی، سجاد .(۱۴۰۳) .*بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر احساس نابرابری اجتماعی: دانش‌آموزان متوسطه دوم ناحیه ۲ شهر اهواز* ،پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

پاتنام، روبرت .(۱۳۹۰) .*دموکراسی و سنت‌های مدرن* (م.ت. دلفروز، مترجم). دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور.

پارکین، فرانک .(۱۳۸۹) .*ماکس وبر* (ش. مسمی‌پرست، مترجم). ققنوس.

پرندوش، سمیه .(۱۴۰۰) .*آموزش از راه دور و نابرابری آموزشی: دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول شهر چالوس* ،پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.

پیران، پرویز .(۱۳۹۲) .*مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی* .علم.

تأمین، ملوین .(۱۳۸۸) .*جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی* (ع. نیک‌گهر، مترجم). توتیا. ،در متن با سال ۱۳۷۳ ارجاع شده است.

توکل، محمد؛ و ناصری راد، محسن. (۱۳۹۱). تبیین نابرابری‌های سلامت و سرمایه اجتماعی غیرمبتلایان و مبتلایان به سرطان .*پیاورد سلامت، ۶* (۱)، ۱۰.

جانعلیزاده چوب‌بستی، حیدر؛ خوش‌فر، غلامرضا؛ و سپهر، مهدی. (۱۳۹۰). سرمایه فرهنگی و موفقیت تحصیلی: ارزیابی تجربی مدل‌های نظری .*پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، (۲)، ۸۳.

جلیلی کامجو، سید پرویز؛ و نادمی، یونس. (۱۳۹۸). ارزیابی رابطه بین نابرابری درآمد و نابرابری شادی: ایران .*سیاست‌گذاری اقتصادی، ۱۱* (۲۱)، ۷۷–۱۰۱.

حسنوند، علی؛ شریف کریمی، محمد؛ فلاحتی، علی؛ و خانزادی، آزاد. (۱۴۰۳). بررسی رابطه بین پیچیدگی اقتصادی و نابرابری درآمد در ایران (رهیافت معادلات همزمان) .*اقتصاد مقداری*، (۲)، ۲۰۱–۲۲۲.

حسین‌زاده، علی حسین .(۱۴۰۳) .*بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر احساس نابرابری اجتماعی: دانش‌آموزان متوسطه دوم ناحیه ۲ شهر اهواز* ،پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

حسین‌زاده، علی حسین؛ و موبینی، سجاد. (۱۳۹۹). سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت .*مطالعات جامعه‌شناختی*، (۳۰)، ۶۳.

حشمتی، مریم؛ اسدی داودآبادی، محمدحسین؛ و احمدی، امیدعلی. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر برنامه‌های تعدیل ساختاری بر ایجاد نابرابری اجتماعی .*جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱۴* (۱)، ۱۴۱–۱۶۰.

خداکرمیان، صادق؛ امیری، نادر؛ و احمدی، وکیل. (۱۳۹۹). سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و نقش آن در بازتولید نابرابری اجتماعی .*توسعه اجتماعی، ۱۵* (۱)، ۱۶۳–۱۸۸.

ربانی، رسول؛ کلانتری، صمد؛ و هاشمیان‌فر، علی. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین عوامل اجتماعی با نابرابری‌های اجتماعی .*رفاه اجتماعی*، (۴۱)، ۲۶۷–۳۰۶.

ربانی، رسول؛ کلانتری، صمد؛ و هاشمیان‌فر، علی. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین عوامل اجتماعی با نابرابری‌های اجتماعی .*رفاه اجتماعی، ۱۱* (۴۱).

رستمی، سعید؛ نامداری، مهرداد؛ حاتمی، حسین؛ و رحمانی، محمدحسین. (۱۳۹۶). بررسی عوامل

جامعه‌شناختی مؤثر بر نابرابری‌های اجتماعی: شهرستان نورآباد لرستان. مقاله کنفرانسی.
رسلیان، آمنه .(۱۳۹۹) .*بررسی ارتباط بین احساس نابرابری جنسیتی و سرمایه اجتماعی–فرهنگی زنان شهر آبادان* ،پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پیام نور همدان.
رفیعی بلداجی، زهره؛ قاسمی، وحید؛ فراستخواه، مقصود؛ و هاشمیان‌فر، سیدعلی. (۱۳۹۹). تحلیل نقش میانجی‌گری قشربندی آموزش عالی در بازتولید نابرابری‌های اجتماعی در بازار کار .*جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۱* (۴)، ۱–۲۲.
ریزمن، لئوتارد؛ و انگویتا، ماریانواف .(۱۳۸۸) .*جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی* (م. قلی‌پور، مترجم). آوای کلک.
زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ بنیاد، لیلی؛ و کامیارفرد، فاطمه. (۱۳۹۷). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با احساس نابرابری اجتماعی در شهر کازرون .*مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، (۲۷)، ۱–۲۲.
زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ و همتی، رضا. (۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی، احساس نابرابری و سلامت عمومی . *تغییرات اجتماعی–فرهنگی، ۹* (۳۳)، ۱۱۵–۱۳۴.
زاهدی، محمدجواد .(۱۳۸۲) .*توسعه و نابرابری* .مازیار.
سالارزاده امیری، نادر؛ و حسینی، سیدحسن. (۱۳۸۸). رابطه بین برخورداری از انواع سرمایه و نوع نگرش به عدالت اجتماعی .*علوم اجتماعی، ۱۶* (۱)، ۴۹.
سالم، علی‌اصغر؛ جهانگرد، اسفندیار؛ و جباری، لیلا. (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر نابرابری سلامت در استان‌های ایران .*پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، (۹۹)، ۳۸۵–۴۱۷.
سرخوش‌سرا، علی؛ نصراللهی، خدیجه؛ آذربایجانی، کریم؛ و بخشی دستجردی، رسول. (۱۳۹۹). تحلیل عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی در ایران در چارچوب دیدگاه‌های توماس پیکتی .*پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، (۳۹)، ۲۹–۵۴.
سعیدی، ناهید .(۱۳۹۹) .*بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین سرمایه و کیفیت خدمات آموزشی با احساس نابرابری اجتماعی: دانش‌آموزان متوسطه دوم شهرستان ایذه* ،پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز. ،در جدول با عنوان «سعدی» آمده است.
سینچکام، هیمن .(۱۳۸۱) .*جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی* (ج. افشارکهن، مترجم). نیکا.
شاکری بستان‌آباد، رضا؛ و جلیلی، زهرا. (۱۳۹۹). عوامل مؤثر بر نابرابری توزیع درآمد استانی در ایران . *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۲۰* (۴)، ۲۰۵–۲۲۸.
شریفی‌نیا، زهرا. (۱۳۹۸). ارزیابی سرمایه اجتماعی در سکونتگاه‌های روستایی: دهستان گنج افروز . *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۱* (۲)، ۳۱۳–۳۲۶.

شعبانی، سارینا .(۱۴۰۰) .*تحلیل تأثیر نابرابری‌های توسعه منطقه‌ای بر سرمایه اجتماعی در استان‌های ایران* ،پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

عسگری، حشمت‌الله؛ و مریدیان، علی. (۱۴۰۲). بررسی نقش سرمایه انسانی و اقتصاد سایه در اثرگذاری رانت منابع طبیعی بر نابرابری درآمد .*برنامه‌ریزی و بودجه*، (۱۶۳)، ۷۵–۱۱۰.

غفاری‌فرد، محمد؛ علمدار، غلام‌عباس؛ و افضلی، غلامرضا. (۱۴۰۰). بررسی روند نابرابری درآمد استانی و اثر تخصیص اعتبارات بودجه استانی .*پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالیه*، ۲ (۲)، ۷۹–۱۰۶.

غندالی، مریم .(۱۳۹۲) .*بررسی عوامل مؤثر بر احساس نابرابری اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی گرمسار* ،پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.

فدایی‌وطن، رضا. (۱۳۹۹). اثر سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی بر تمایز اجتماعی با تأکید بر مالکیت اتومبیل لوکس .*رفاه اجتماعی*، ۱۷ (۶۵)، ۱۳۷–۱۷۰.

فولادی، حفیظ‌الله؛ و بحرینی، عبدالحمید. (۱۳۹۹). دیدگاه نهج‌البلاغه درباره نابرابری و طبقات اجتماعی و مقایسه آن با نظریه کارل مارکس .*اسلام و علوم اجتماعی*، ۱۲ (۲۳)، ۱۹۷–۲۱۶.

فیلد، جان .(۱۳۹۴) .*سرمایه اجتماعی* (غ. غفاری و همکار، مترجمان). کویر.

قادری، صلاح‌الدین. (۱۳۹۷). ساختار قشربندی اجتماعی و خوشه‌بندی فرهنگی–اجتماعی محله‌های شهر تهران .*مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۷ (۴)، ۷۳۱–۷۶۱.

قیطاسی، الناز؛ مظفری، زانا؛ و امانی، رامین. (۱۴۰۴). تأثیر امنیت اقتصادی بر نابرابری درآمد در ایران . *اقتصاد دفاع و توسعه پایدار*، (۳۷)، ۳۳–۶۷.

کورز، لوئیس؛ و روزنبرگ، برنارد .(۱۳۷۸) .*نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی* (ف. ارشاد، مترجم). نی. ،در متن با عنوان «کوزر، ۱۳۸۷» ارجاع شده است.

کیانی، مژده؛ و رهنما فلاورجانی، زهره. (۱۳۹۴). تأثیر احساس نابرابری جنسیتی بر سرمایه اجتماعی زنان تحصیل‌کرده شهر اصفهان .*جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۶ (۲)، ۷۷–۹۰.

گلی، یونس؛ و دل‌انگیزان، سهراب. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری دستمزد بخش صنعت در ایران .*پژوهش‌های اقتصاد صنعتی*، (۳)، ۷۱–۸۶.

لکشری‌زاده، مریم؛ نقدی، یزدان؛ و کاغذیان، سهیلا. (۱۳۹۹). تأثیر سرمایه اجتماعی بر نابرابری درآمدی در استان‌های ایران .*مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۱۲ (۲)، ۱۷۷–۱۸۶.

مجدی، علی‌اکبر؛ صدرنبوی، رامپور؛ بهروان، حسین؛ و هوشمند، محمود. (۱۳۸۹). سبک زندگی جوانان ساکن شهر مشهد و رابطه آن با سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین .*علوم اجتماعی*، ۷ (۲)، ۱۳۱.

محمدی، جمال؛ ودادهیر، ابوعلی؛ و محمدی، فردین. (۱۳۹۱). مناسبات سرمایه فرهنگی و سبک زندگی:

پیمایشی در میان شهروندان طبقه متوسط شهر سنندج .*جامعه‌شناسی ایران، ۱۳* (۴)، ۱–۲۳.
مقدس، علی‌اصغر .(۱۳۹۹) .*نابرابری اجتماعی* .بهمن برنا.
مقدس، علی‌اصغر؛ و سروش، مریم. (۱۳۹۰). فضای اجتماعی زندگی و طبقه اجتماعی: بازنمایی فعالیت‌های فراغتی زنان در شیراز .*بررسی مسائل اجتماعی ایران*، (۱)، ۴۱.
منصوری، هومن؛ قربانی، محمد؛ و کهنسال، محمدرضا. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری سطوح درآمدی روستاییان در چهارچوب مدل سه‌شاخگی .*پژوهش‌های روستایی*، ۹ (۴)، ۵۸۰–۵۹۳.
مهاجری، محمد؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم؛ و رحمانی فیروزجاه، علی. (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی الگوهای غذایی شهر تهران .*برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، (۴۳)، ۱–۳۲.
مهدوی، ابوالقاسم؛ و عزیزمحمدلو، حمید. (۱۳۹۷). تحلیل عوامل کلان مؤثر بر فرایند انباشت سرمایه اجتماعی در ایران .*مجلس و راهبرد*، (۹۳)، ۵–۴۲ .،در جدول با عنوان «مهدوی و محمودلو» آمده است.
مهرگان، نادر؛ و دلیری، حسین. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی در استان‌های ایران .*پژوهش‌های اقتصادی رشد و توسعه پایدار، ۱۵* (۲)، ۱۱۷–۱۳۶.
مؤذنی، احمد. (۱۳۹۴). ارائه مدل پیشنهادی سنجش طبقه اجتماعی در ایران .*علوم اجتماعی*، (۲)، ۲۲۱–۲۴۶.
مؤذنی، احمد. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بازتولید فرهنگی و طبقه اجتماعی با تأکید بر تقدیرگرایی . *جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۸* (۴)، ۷۱–۹۴.
موسوی جهرمی، یگانه؛ خدادادکاشی، فرهاد؛ و موسی‌پوراحمد، عالمه. (۱۳۹۳). ارزیابی عوامل مؤثر بر نابرابری درآمدی در جامعه .*پژوهش‌های اقتصادی ایران*، (۶۱)، ۱۱۷–۱۴۷.
موسوی، سید یعقوب؛ و صمدی، علی. (۱۳۹۷). تحلیل نابرابری اجتماعی و اقتصادی در دسترسی و استفاده از فضاهای عمومی شهری: شهر تهران .*مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، (۲۶)، ۱۹۴–۲۲۶.
میرزایی، حسین؛ و غیاثوند، ابوالفضل. (۱۳۸۶). عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر نابرابری تورمی (۱۳۷۴–۱۳۸۲) .*رفاه اجتماعی*، (۲۴)، ۱۴۱.
نبوی، حمید .(۱۴۰۰) .*تحلیل نابرابری سرمایه اجتماعی سالمندان و عوامل تعیین‌کننده آن در شهر تهران* ،رساله دکتری، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
نواح، عبدالرضا؛ بوداقی، علی؛ و سعدی، ناهید. (۱۴۰۱). مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه اجتماعی و کیفیت خدمات آموزشی بر احساس نابرابری اجتماعی .*جامعه‌شناسی کاربردی*، (۸۶)، ۵–۲۲.
هاتفی مجومرد، مجید؛ ظاهری عبده‌وند، عزیز؛ و صادقی، علی. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر در نابرابری درآمد در ایران با تأکید بر عمق مالی و آموزش .*پژوهش‌های پولی–بانکی*، ۶۹۵–۷۲۰.

همتی، رضا؛ و خیرالله‌پور، اکبر. (۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی، احساس نابرابری و سلامت عمومی. *تغییرات اجتماعی-فرهنگی*، (۳۳)، ۱۱۵-۱۳۴.

ودات، یونس؛ و معروفی، محسن. (۱۳۹۶). اثر سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی بر تمایز اجتماعی با تأکید بر مالکیت اتومبیل لوکس. *رفاه اجتماعی*، ۱۷ (۶۵)، ۱۳۷-۱۷۰. در جدول با عنوان «بودات» آمده است.

ولکاک، مایکل؛ و نارایان، دیپا. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای نظریه سیاسی. در *مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه* (ا. خاکباز و ح. پویان، مترجمان). شیرازه.

Adkins, L., & Cooper, M. (۲۰۲۱). The asset economy. Polity Press.

Bourdieu, P. (۱۹۸٤). Distinction: A social critique of the judgement of taste. Harvard University Press.

Bourdieu, P. (۱۹۸٦). The Forms of Capital. In J. G. Richardson (Ed.), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education* (pp. ۲٤۱-۲۵۸). New York: Greenwood Press.

Bourdieu, P. (۱۹۹۰a). *The Logic of Practice*. Stanford: Stanford University Press.

Bourdieu, P. (۱۹۹۸). *Practical Reason: On the Theory of Action*. Stanford: Stanford University Press.

Bourdieu, P., & Passeron, J.-C. (۱۹۹۰). *Reproduction in Education, Society and Culture* (۲nd ed.). London: Sage.

Case, A., & Deaton, A. (۲۰۲۰). *Deaths of despair and the future of capitalism*. Princeton University Press.

Chetty, R., Dobbie, W., Goldman, B., Porter, S. R., & Yang, C. S. (۲۰۲۵). Changing opportunity: Sociological mechanisms underlying growing class gaps and shrinking race gaps in economic mobility (Working Paper No.

Hang, Danny, Ellen C. Reinhart,, and Rebecca M. Carey. ۲۰۲٦. "The Roots of Solidarity: Social Class Identity Is Associated with Support for Reducing Inequality." *Group Processes & Intergroup Relations*. https://doi.org/۱۰.۱۱۷۷/۱۳٦۸٤۳۰۲۲٦۱٤۸۹۲۱۹.

Marx, K. (۱۸٦۷). *Capital: Volume ۱*. Penguin Classics.

Pandian, R. K., & Kwon, R. (۲۰۲٦). Does inequality blur class lines? Meritocratic attitudes in comparative perspective. *The British Journal of Sociology*. Advance online publication. https://doi.org/۱۰.۱۱۱۱/۱٤٦۸-٤٤٤٦.۷۰۱۰۷

Piketty, T. (۲۰۲۲). *A brief history of equality*. The Belknap Press of Harvard University Press.

Putnam, R. D. (۲۰۰۰). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon & Schuster.

Roueff, O. (۲۰۲٤). Social Class: A Relational Perspective on Inequality. In: Jodhka, S.S., Rehbein, B. (eds) Global Handbook of Inequality. Springer,

Cham. https://doi.org/۱۰.۱۰۰۷/۹۷۸-۳-۰۳۰-۹۷٤۱۷-٦_٦٥-۱
Weber, M. (۱۹۲۲). *Economy and society*. University of California Press.
William A Darity & Isabel Ruiz, ۲۰۲٤. "Caste, class, race, and inequality: insights for economic policy," Oxford Review of Economic Policy, Oxford University Press and Oxford Review of Economic Policy Limited, vol. ٤۰(۳), pages ٤٤۳-٤٦۱.Handle: RePEc:oup:oxford:v:٤۰:y:۲۰۲٤:i:۳:p:٤٤۳-٤٦۱.
Zuboff, S. (۲۰۱۹). The age of surveillance capitalism: The fight for a human future at the new frontier of power. PublicAffairs.